

حکمرانی عدالت‌گستر جهانی در اندیشه امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) و پالایش آنارشی نظام بین‌الملل مرضیه محمدی نسب^۱، علی‌اکبر جعفری^۲

۱۶

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۶
بایز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
1404/7/27
تاریخ پذیرش:
1404/10/3
صص: ۱۷۹-۲۱۲

شاپا چاپی: ۵۶۴۸-۲۵۳۸
شاپا الکترونیکی: ۵۵۱-۲۷۱۷



CC BY-NC-SA

چکیده

استقرار نظام عدالت‌گستر در سطح کلان، بر مبنای اخلاق و خارج از گستره نبوت، برای اولین بار توسط مدیریت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) پایه‌گذاری و اجرا شد. از طرفی، بنیان نظری نظام بین‌الملل معاصر مبتنی بر منطق قدرت و آنارشی است. این موضوع، موجب به حاشیه راندن جایگاه عدالت و اخلاق در نظم موجود شده است؛ لذا، با توجه به محدودیت‌های تحمیلی آنارشی نظام بین‌الملل بر عدالت اجتماعی، ذکر این مسأله موضوعیت می‌یابد که «عدالت علوی چگونه می‌تواند در بازاندیشی نظم جهانی و مدیریت بحران آنارشی نظام بین‌الملل تأثیرگذار باشد؟» فرضیه پژوهش بیان می‌دارد «عدالت علوی، با تأکید بر عدالت اجتماعی و ارائه طرح مدیریتی تحدید سیاست قدرت در چارچوب سیاست اخلاق، موجب کاهش شدت آنارشی از طریق افزایش مشروعیت نهادی و اعتماد بین‌المللی می‌شود». پژوهش حاضر با رویکرد تلفیقی انتقادی-تبیینی و روش تحلیل محتوای کیفی، به بازخوانی مفاهیم عدالت علوی در چارچوب نظری جهان‌وطنی می‌پردازد تا الگویی از نظم جهانی عادلانه به‌عنوان بدیلی برای آنارشی نظام بین‌الملل ارائه کند. روش جمع‌آوری اطلاعات در قالب منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. طبق یافته‌های پژوهش، تلفیق عدالت علوی با مبانی جهان‌وطنی، می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی اخلاقی نظم جهانی و در نتیجه، انتقال از منطق قدرت در وضعیت موجود به منطق عدالت در وضعیت مطلوب گردد.

کلیدواژه‌ها: آنارشی نظام بین‌الملل؛ جهان‌وطن‌گرایی؛ حکمرانی جهانی؛ صلح پایدار جهانی؛ عدالت علوی.

DOI: 10.22080/jpir.2025.29962.1452

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

m.mohammadinasab03@umz.ac.ir

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (نویسنده مسؤول).

a.jafari@umz.ac.ir

*** این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجوی روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران می‌باشد.

۱. مقدمه

نظام بین‌الملل معاصر با بحران‌های فزاینده‌ای چون نابرابری ساختاری، جنگ‌های نیابتی و ریزش اعتماد افکار عمومی شهروندان جهانی مواجه است. درواقع، بنیان نظری نظام معاصر، مبتنی بر منطق قدرت و آنارشی است که همین امر، پشتوانه معنایی نظم فعلی را به حاشیه رانده است. از طرفی، نظریه‌های جهان‌وطنی غرب، قابلیت تطبیق با واقعیت‌های عینی نظام بین‌الملل فعلی را ندارند و در سطح ارائه بدیلی نظری برای این وضعیت متوقف شده‌اند. در این میان، اندیشه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) ظرفیت بازتولید چارچوب جهان‌وطنی و اخلاق‌محور را دارد. مفهوم عدالت علوی، با تکیه بر قوانین جهان‌شمول الهی و تأکید بر توازن حقوق در راستای تکریم بشریت، می‌تواند مبنای نظری الگوی هنجاری بدیل برای نظم جهانی باشد.

پژوهش حاضر درصدد است با تلفیق مفاهیم عدالت علوی و نظریه جهان‌وطنی، الگویی هنجاری بدیل برای نظم جهانی ارائه دهد. درواقع، بازخوانی عدالت علوی می‌تواند نشان دهد که اسلام ظرفیت ارائه نظریه‌ای جهانی برای استقرار نظام حکمرانی عدالت‌گستر را دارد. در سطح سیاست جهانی، این چارچوب می‌تواند در تبیین سیاست خارجی اخلاق‌محور مبتنی بر عدالت اجتماعی، و اصلاح ساختارهای بین‌المللی به کار گرفته شود که همین امر، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را برجسته می‌کند.

بنابراین، با توجه به این مهم که نظام عدالت اجتماعی بر مبنای اخلاق و خارج از گستره نبوت، برای اولین بار در طول تاریخ زیست سیاسی بشر، در سیاست‌های نظری و اجرایی مدیریت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) ظهور پیدا کرد، ذکر این مسأله به‌عنوان سؤال اصلی موضوعیت می‌یابد که «عدالت علوی چگونه می‌تواند در بازاندیشی نظم جهانی و مدیریت بحران آنارشی نظام بین‌الملل تأثیرگذار باشد؟» فرضیه پژوهش بیان می‌دارد «عدالت علوی، با تأکید بر عدالت اجتماعی و ارائه طرح مدیریتی تحدید

سیاست قدرت در چارچوب سیاست اخلاق، موجب کاهش شدت آنارشی از طریق افزایش مشروعیت نهادی و اعتماد بین‌المللی می‌شود».

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با سابقه پژوهشی، در بررسی‌های به‌عمل‌آمده پژوهشی موازی با موضوع پژوهش حاضر یافت نشد؛ اما در ارتباط با موضوع حکمرانی جهانی و عدالت اجتماعی پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. قزلسفلی (۱۳۹۷) در مقاله «مؤلفه‌های حکمرانی عادلانه در چارچوب نظریه زیست جهان»، ایده حکمرانی عادلانه را ذیل زیست‌جهان ایرانی - اسلامی تبیین می‌کند و بیان می‌دارد که فرهنگ خاص ایرانی - اسلامی در چارچوب اندیشه شیعی، ظرفیت لازم در تطبیق با مؤلفه‌های جهان مدرن را دارد. اسام‌زاده‌ئی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «چالش‌های اساسی حکمرانی جهانی در نبود دولت جهانی حق‌بنیاد»، چالش‌های اساسی نظام حکمرانی جهانی را در دو حوزه ساختاری و نهادی مورد شناسایی قرار می‌دهند. ایزانلو و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «دلالت‌های اجتماعی توحید در اندیشه و سیره حکمرانی امام علی (ع)»، بیان می‌دارد که آثار توحید اجتماعی در حکمرانی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در ابعاد تشریع و قانون‌گذاری، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، برابری در حقوق مالی و برابری نسبت به قوانین تجلی یافته است. ریتبرگر^۱ (۲۰۰۱) در کتاب «حکمرانی جهانی و نظام ملل متحد»، ضمن اینکه تمرکز اصلی خود را بر چگونگی تطبیق نهادهای بین‌المللی جهانی با الزامات قرن بیست‌ویکم قرار داده است و درنهایت در مورد اشکال احتمالی و مطلوب حکمرانی جهانی پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد. چوفون^۲ (۲۰۱۲) در کتاب «حکومت جهانی و نقش بازیگران غیر دولتی: بررسی چالش‌های معاصر نظریه روابط بین‌الملل»، در چارچوب

¹ Volker Rittberger

² Bruno Cho Fon

رشد فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی، مفهوم حکمرانی جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. وایز^۱ (۲۰۱۳) در کتاب «حکمرانی جهانی: چرا و چگونه و به کجا»، با بررسی ارزش‌ها، هنجارها، رویه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی به شناسایی مشکلات فرامرزی می‌پردازد. بایلیز^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در کتاب «جهانی شدن سیاست جهانی: درآمدی بر روابط بین‌الملل»، تأثیر فرآیند جهانی شدن را بر سیاست جهانی با هدف ارائه مطالب لازم برای درک ساختار سیاست جهانی معاصر، مطرح می‌کنند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد درحالی‌که اندیشه غربی تلاش کرده است با ابزارهای نهادی و حقوقی بر آنارشی غلبه کند، اندیشه اسلامی با تکیه بر مبانی توحیدی و عدالت‌محور، نوعی حکمرانی جهانی مبتنی بر اخلاق و مسؤولیت الهی ارائه می‌دهد. از این منظر، اندیشه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌تواند به منزله چارچوبی جهان‌وطنانه اما خدامحور، تفسیر تازه‌ای از حکمرانی جهانی ارائه دهد. در ارتباط با نوآوری پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- بازخوانی مفهومی تازه از عدالت علوی در سطح جهانی
- ارائه بدیلی نظری و هنجاری برای نظم آنارشیکی نظام بین‌الملل
- ترکیب میان‌رشته‌ای دو حوزه نظری اندیشه سیاسی اسلامی و نظریه‌های روابط بین‌الملل (جهان‌وطنی).

۳. مبانی نظری تحقیق: جهان‌وطن‌گرایی

جهانی‌شدن، حکومت جهانی و جامعه مدنی، به‌عنوان پتانسیل‌های موجود در رویکرد جهان‌وطنی، این رویکرد را به کانون توجه نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در دوران معاصر تبدیل کرده است (Bombongan, 2008: 242). جهان‌وطنی سیاسی، به‌طور سنتی با آرمان یک دولت جهانی که همه افراد را در بر می‌گیرد همراه است.

¹ Thomas Weiss

² John Baylis, Steve Smith, Patricia Owens

(Etinson, 2017: 38). بر این مبنا، یک فرض مشترک گسترده، این است که اصل حاکمیت دیگر نمی‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای برای دولت‌ها باشد تا از این طریق، در فعالیت‌هایی که تهدیدات عظیمی برای شهروندان، همسایگان یا جامعه بین‌المللی ایجاد می‌کند، شرکت کنند (Sanahuja & Ghia, 2015: 115). بنابراین، نظریه جهان‌وطنی می‌تواند به‌عنوان چارچوب نظری-هنجاری برای تغییر آناارشی وضع موجود به عدالت‌گستری وضع مطلوب تلقی شود.

کانت در کتاب «اصول حق» که در سال ۱۷۹۷ آن را نوشت، حق جهان‌وطنی را به‌عنوان «حقوق شهروندان جهان برای ایجاد جامعه‌ای مشترک» تفسیر می‌کند (ریچاردسون، ۱۳۹۸: ۵۲-۵۱). اگرچه ریشه‌های پیدایش این قرئت جهان‌نگرانه به دوران روشنگری و آموزه‌های کانت برمی‌گردد (جعفری و ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۳۸۲)، اما ریشه‌های جامع‌ترین مدل نظری جهان‌وطنی که در سطح یک نظام وسیع بین‌المللی اجرایی شد به دوران اسلام و آموزه‌های امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) برمی‌گردد.

عدالت اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم جامع و همه‌جانبه در سیاست‌گذاری یک حکومت و یک نظام وسیع بین‌المللی، برای اولین بار در تاریخ، از طرف امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و پس از شکست امپراتوری‌های روم و ایران و فتوحات مسلمین در قاره‌های آسیا و آفریقا پایه‌گذاری شد (مولانا، ۱۳۸۰: ۱۹۵). حکومت اسلام در کم‌تر از یک سوم قرن اول ظهور خود، سرزمینی وسیع و پهناور با آمیخته‌هایی از فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف و متنوع در روی زمین را پدید آورد که وسعت آن از اقیانوس هند تا اقیانوس اطلس و از کوهستان قفقاز و دشت‌های ترکستان بود تا تپه‌های نوبه که در دو طرف رودخانه نیل قرار داشتند. حکومت و سرزمین وسیع اسلامی، بدین ترتیب ابرقدرت بزرگ آن زمان شد و این ابرقدرت، تنها نظامی و صرفاً اقتصادی و سیاسی نبود، بلکه بالاتر از همه این‌ها بر ستون‌بندی معنویات دینی بنا شده بود (مولانا، ۱۳۸۲:

۱۷۴). بنابراین، اصل تجانس جهانی شهروندان در اسلام، بر بنای «پیوند عقیدتی» پی‌ریزی شده است.

از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) عدالت اجتماعی یک اصل همگرا و مشروع حکومتی است و همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و سازمانی را در بر دارد (مولانا، ۱۳۸۰: ۱۹۵). ایشان در یک دستور حکومتی می‌فرمایند: «عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم، مردم را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۶: ۵۳۱). ایشان در مورد برتری عدالت نسبت به بخشش، می‌فرمایند: «عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، درحالی‌که بخشش، آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت، تدبیر عموم مردم است، درحالی‌که بخشش، گروه خاصی را شامل می‌شود. پس، عدالت شریف‌تر و برتر است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷: ۵۲۷). از فرمایشات ایشان، کدهای استقرایی «عدالت به مثابه اصل مشروعیت حکومت»، «عدالت به مثابه امنیت»، «عدالت به مثابه توازن حقوق» و «عدالت به مثابه منافع عام بشریت» قابل استخراج است.

هرچند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در سطح دولت اسلامی سخن می‌گوید، اما اصول عدالت ایشان قابلیت جهان‌شمول دارد. از نگاه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) «همه انسان‌ها یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش با تو برابرند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۵). این فرمایش ایشان، بنیان یک نظریه عدالت جهانی مبتنی بر کرامت انسانی است. بنابراین، مؤلفه‌های عدالت، ذیل کد استقرایی «عدالت جهانی و بین‌المللی» قرار می‌گیرند.

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، حقوق متقابل شهriاران بر شهروندان و شهروندان بر شهرياران را از جمله بزرگ‌ترین حقوق الهی می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «خداوند سبحان برای من، بر شما، به جهت سرپرستی حکومت، حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است... مردم، اصلاح نمی‌شوند جز آنکه رهبران اصلاح شوند، و رهبران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری مردم. آن‌گاه که مردم حق رهبران را و

رهبران حق مردم را بپردازند، حق در آن جامعه عزت یابد، راه‌های دین‌پیدار، نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پایدار گردد. پس، روزگار اصلاح شود... اما اگر این حقوق رعایت نشود، وحدت کلمه از بین می‌رود و نشانه‌های ستم آشکار می‌شود».

ایشان در ادامه می‌فرمایند: «یکی از حقوق الهی، یک‌دیگر را به اندازه توان نصیحت کردن، برپاداشتن حق و یاری دادن به یک‌دیگر است. هیچ انسانی هر چند قدر او در حق بزرگ و ارزش او در دین بیشتر باشد، بی‌نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند و هیچ انسانی گرچه مردم او را خوار شمارند و در دیده‌ها بی‌ارزش باشد، کوچک‌تر از آن نیست که دیگری را در انجام حق یاری کند و یا دیگری به یاری او برخیزد... پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶: ۳۱۷-۳۱۵). از فرمایشات امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) مؤلفه‌های «شهروند اخلاقی حاصل توازن حقوق»، «برابری نسبت شهروندان و شهریان در مهندسی ساختار نظام»، «تناسب معکوس در نسبت توازن حقوق و آناشرشی» و «تناسب مستقیم در نسبت دگریاری و نظم مطلوب»، قلیل استخراج است که این مؤلفه‌ها ذیل کد استقرایی «استقرار نظام حکمرانی عدالت‌گستر» قرار می‌گیرند.

در رئالیسم بازیگر اصلی دولت خودبنیاد و عقلانی است که براساس منافع مادی رفتار می‌کند، اما در پارادایم علوی، بازیگر اصلی انسان خلیفه‌الله است، یعنی مشروعیت از حق و عدالت می‌آید و نه صرفاً از قدرت؛ انسان خلیفه‌الله مسئولیت دارد و نه صرفاً منافع. نقش «شهروند اخلاقی» یا نقش «خلیفه‌الله انسان»، در هر سطحی باید بازتاب اراده الهی باشد و این یعنی انتقال سطح تحلیل از عقلانیت ابزاری به عقلانیت اخلاقی. در اندیشه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، آناشرشی به معنای فقدان و یا ناترازی نظام توازن حقوق است. از این‌رو تنها با حفظ تعادل نظام توازن حقوق می‌توان از وضعیت آناشرشیک در نظم موجود عبور کرد و به وضعیت عدالت‌گستری در نظم مطلوب رسید.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر، فرماندار مصر، می‌فرماید: «مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند»، در ادامه می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق، میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۴۰۵). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «به من خبر رسیده که دشمنان شما به خانه زن مسلمان و زنی که در پناه اسلام بوده وارد می‌شدند و خلخال آن‌ها را از پای‌شان و گوشواره از گوش‌شان درمی‌آوردند و هیچ‌کس مانع آن‌ها نمی‌شده است... اگر مرد مسلمانی به خاطر این حادثه از شدت تأسف بمیرد به نظر من سرزنشی ندارد» (ثقفی، ۱۴۰۱: ۲۲۹-۲۲۸). از فرمایشات ایشان، مؤلفه‌های «جهان‌شمولی و برابری انسان‌ها»، «جهان‌شمولی توازن حقوق»، «جهان‌شمولی عدالت اجتماعی»، «جهان‌شمولی تکریم بشریت» و لزوم «مسئولیت‌پذیری شهروندان جهان‌گستر»، قابل استخراج است که این مؤلفه‌ها، با تأکید بر «همانندی انسان‌ها در آفرینش»، کد استقرایی «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» یا همان «امت واحده» را به‌عنوان بدیلی برای آنارشی نظام بین‌الملل ارائه می‌دهند.

بنابراین، جهان‌وطنی در اندیشه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مقام نظریه‌ای هنجاری، می‌تواند پاسخی به مسئله آنارشی در نظام بین‌الملل باشد؛ زیرا به جای «رقابت دولت‌ها» بر «همبستگی انسان‌ها» در گستره نظم برخاسته از عدالت اجتماعی تأکید دارد. مدل تحلیلی پژوهش حاضر، در شکل شماره (۱) در قالب جدول ترسیم شده است.

جدول ۱. کدها و نمونه متن استخراج شده بر مبنای مدل تحلیل

نوع متغیر	ابعاد و شاخص‌ها	تعریف مفهومی	کد استخراجی	منابع
مستقل: عدالت علوی	۱. عدالت به مثابه اصل مشروعیت ۲. عدالت به مثابه امنیت ۳. عدالت به مثابه توازن حقوق ۴. عدالت به مثابه منافع عام بشریت	عدالت در اندیشه امیرالمؤمنین علی (ع) مبنای مشروعیت سیاسی و زیربنای نظم جهانی عادلانه بر محوریت توازن حقوق و در چارچوب منافع عام بشریت است.	عدالت جهانی و بین‌المللی	نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶، حکمت ۴۳۷، نامه ۵۳
میانجی: جهان‌وطنی	۱. جهان‌شمولی و برابری انسان‌ها ۲. جهان‌شمولی توازن حقوق ۳. جهان‌شمولی عدالت اجتماعی ۳. جهان‌شمولی تکریم بشریت ۵. مسئولیت‌پذیری شهروند جهانی	چارچوبی فلسفی و اخلاقی که براساس آن، تمامی انسان‌ها اعضای یک اجتماع جهانی واحد محسوب می‌شوند و نسبت به یکدیگر تعهد اخلاقی دارند. این متغیر، واسطه انتقال مفاهیم عدالت علوی از سطح اندیشه اسلامی به سطح نظریه‌های جهانی است.	جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی یا امت واحده	نهج البلاغه، نامه ۵۳، تقی، ۱۴۰۱
وابسته: نظم جهانی عادلانه	۱. شهروند اخلاقی حاصل توازن حقوق ۲. برابری نسبت شهروندان و شهروندان در مهندسی ساختار نظام ۳. تناسب معکوس در نسبت توازن حقوق و آناشی	الگوی بدیل از نظم بین‌المللی که در آن، منطق حاکم بر روابط جهانی نه بر مبنای قدرت، بلکه بر مبنای کرامت انسانی و همبستگی اخلاقی است. هدف این نظم، گذر از آناشی دولت‌محور به عدالت مردم‌محور است.	استقرار نظام جهانی حکمرانی عدالت‌گستر	نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶

			۴. تناسب مستقیم در نسبت دگرپاری و نظم مطلوب	
--	--	--	---	--

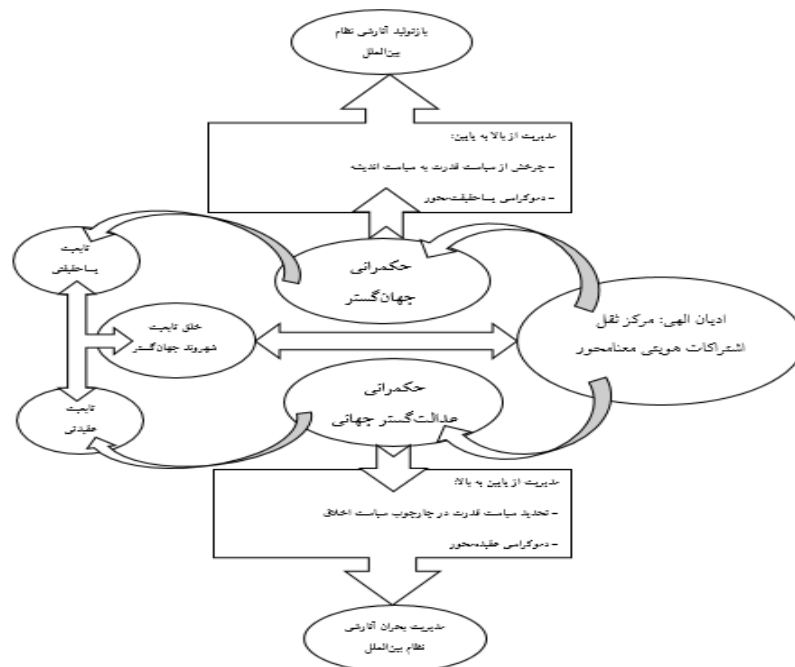
با توجه به جدول کدها و نمونه متن استخراج شده بر مبنای مدل تحلیل، عدالت علوی به عنوان منبع ارزش‌ها و اصول هنجاری، بنیان نظری و اخلاقی پژوهش را شکل می‌دهد. جهان‌وطنی به عنوان متغیر میانجی، زمینه پیوند و بسط مفاهیم نظری و عملی عدالت علوی به مفاهیم نظری و عملی معاصر را فراهم می‌کند. نظم جهانی عادلانه، برونداد نظری این فرآیند است که در آن منطق حکمرانی عدالت جایگزین منطق آنارشی می‌شود.

۴. روش پژوهش

این پژوهش، با بهره‌گیری از رویکرد تلفیقی انتقادی-تبیینی و روش تحلیل محتوای کیفی، می‌کوشد با استفاده از اصول عدالت‌محور در اندیشه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بدیلی هنجاری برای ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل ارائه دهد. بدیل پیشنهادی نه بازتولید قدرت، بلکه بازتولید عدالت است و جهان‌وطنی، زبان نظری برای تبیین این الگو در سطح بین‌المللی فراهم می‌سازد. بنابراین، از منظر هستی‌شناسی، جهان به مثابه نظم الهی و اخلاقی که در آن عدالت، اصل سامان‌دهنده در تقابل با آنارشی نظام بین‌الملل است. از منظر انسان‌شناسی، انسان، شهروند اخلاقی یا خلیفه‌الله است، نه صرفاً یک بازیگر عقلانی خودمحور. در نتیجه، دولت‌ها نیز نه فقط منافع ملی، که مسئولیت اخلاقی نیز دارند. از منظر روش‌شناسی نیز به جای محاسبه منافع، معیار توازن حقوق و یا محاسبه حق و عدالت، جایگزین می‌شود.

اصولاً استقرار مرکزیت تجانس جهانی در «تابعیت عقیدتی شهروندان جهان‌گستر»، با سرایت عناصر عدالت اجتماعی از «پایین به بالا»، موجبات مسدود ساختن مسیرهای

آنارشی نظام بین‌الملل را فراهم می‌کند. به عبارتی، طرح مدیریتی «تحدید سیاست قدرت در سیاست اخلاق» و در نتیجه استقرار نظام «دموکراسی عقیده‌محور»، به‌عنوان مهم‌ترین پیش‌نیاز «مدیریت بحران آنارشی نظام بین‌الملل» در راستای استقرار «نظام جهانی حکمرانی عدالت‌گستر» عمل می‌کند. این‌گونه است که با وجود پیوند انتزاعی الگوی حاکمیت جهان‌گستر با ارزش‌های عام جهان‌شمول نهفته در ادیان الهی، روند مهندسی «بالا به پایین» این حاکمیت و در نتیجه کانالیزه کردن عناصر تجانس جهانی شهروندان جهان‌گستر در فرمول «دموکراسی پس‌احقیقت‌محور» از مسیر «چرخش سیاست قدرت به سیاست اندیشه»، خروجی این الگوی مدیریتی کلان، همچنان به «بازتولید آنارشی نظام بین‌الملل» ختم می‌شود. شکل شماره (۲) با استفاده از روش ترکیبی در راستای تلفیق روش تحلیل محتوای کیفی، جهت استخراج کدهای استقرایی در حکمرانی عدالت‌گستر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و حکمرانی جهان‌گستر معاصر و رویکرد تحلیلی - تبیینی جهت بررسی متغیرهای کلان مؤثر بر آنارشی نظام بین‌الملل در قالب چارچوب نظری جهان‌وطن‌گرایی، طراحی شده است.



شکل ۱. نمای چارچوب نظری و روش‌شناسی (طراحی شده توسط محقق)

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۵-۱. ادیان الهی: مرکز ثقل اشتراکات معنامحور

اگرچه سیاست جهانی ویلسون، شامل آرمان‌هایی مانند آزادی و عدالت برای همهٔ مردم و صلح از طریق جامعهٔ ملل است (Bombongan, 2008: 255)، اما باید در نظر داشت که راهبردهای معناسازی جهان‌وطنی، صرفاً قابل تجسم نیستند، بلکه به صورت مادی، طراحی و عملیاتی می‌شوند (Salazar, 2021: 8). در حال حاضر، چیزی که رویکرد جهان‌وطنی‌های جدید را پیچیده‌تر می‌کند، فقدان هرگونه گفتمان پایدار در مورد دین است (Wong, 2013: 1). با وجود این، به طور گسترده اذعان شده است که

اسلام و مسیحیت در ظهور آرمان‌های جهان‌وطنی در سطح کلان، نقش مهمی داشته‌اند (Driezen & others, 2020: 4). درواقع، اگر مسیحیت بذر جهان‌وطنی را در اندیشهٔ برابری و برادری کاشت، اسلام آن را در قالبی سیاسی و تمدنی شکوفا کرد.

بنابراین، آنچه اهمیت دارد، یافتن راه‌های همکاری ادیان و فرهنگ‌های مختلف در راستای مقابله با فقر و محرومیت گستردهٔ ناشی از جهانی شدن است (Bombongan, 2008: 258). اگرچه همکاری مشترک ادیان و فرهنگ‌های مختلف ذیل یک قانون اشتراک جهانی، مثل ایدهٔ یک «گفت‌وگوی ابراهیمی» میان مسلمانان، مسیحیان و یهودیان می‌تواند نمونه‌ای از راه‌های ایفای نقش بازیگران غیر حکومتی و ساختن پل‌هایی برای تفاهم باشد (نای، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۷۸)؛ اما باید در نظر داشت که ایدهٔ «گفت‌وگوی ابراهیمی» حامل «هویت پساحقیقتی» در راستای تأمین منافع انحصاری قدرت نباشد. چنانچه جهان شاهد بود که پیمان صلح ابراهیم که در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ بین رژیم صهیونیستی و ایالات متحدهٔ آمریکا و برخی از کشورهای عربی حوزهٔ خلیج فارس منعقد شد، حاصلی جز تشدید ادامهٔ روند نسل‌کشی اسرائیل در غزه و در نتیجه بازتولید فرآیند آنارشی نظام بین‌الملل به دنبال نداشت.

بر اساس این، مفهوم جهان‌وطنی باید از عناصر معرفت‌شناسی استعماری غرب، پالایش شود (Wilfred, 2017: 216). امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما، برای به‌دست‌آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو صلح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شدهٔ تو بار دیگر اجرا گردد» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۳۱: ۱۷۵). وقتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «در سرزمین‌های تو صلح را ظاهر کنیم»؛ یعنی «رهاندن جامعهٔ جهانی از فقر و نابرابری» و تأکید بر لزوم «توزیع عناصر صلح پایدار» که این موارد، تحلیل محتوای کیفی فرمایشات ایشان را به الگوی مدیریتی

«تحدید سیاست قدرت در چارچوب سیاست اخلاق» به عنوان پیش نیاز «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» سوق می دهد.

عدالت اجتماعی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از دو جهت بی نظیر است، نخست این که دیدگاه او از عدالت اجتماعی با ایمان او به عنوان مردی که از عدالت و حکم وجدان منحرف نشد منطبق و همسان می باشد، دوم اینکه او تنها متفکری بود که به این دیدگاه جنبه عملی داد و به عنوان رئیس یک حکومت و یک جامعه وسیع چندملیتی نظریات عدالت اجتماعی را در چارچوب دین مبین اسلام جامعه عمل پوشاند (مولانا، ۱۳۸۰: ۱۹۵). امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «ای مردم! تعهد همراه با صداقت است که سپری محکم تر و نگهدارنده تر از آن سراغ ندارم... اما امروز در محیط و زمانه ای زندگی می کنیم که بیشتر مردم، حيله و نیرنگ را زیرکی می پندارند و افراد جاهل لئان را اهل تدبیر می خوانند» (نهج البلاغه، خطبه ۴۱: ۶۵). مؤلفه لزوم «تعهد و صداقت» شهیاران در برابر شهروندان، ضمن نفی لفاظی ها و شعارپردازی های «سیاست اندیشه»، سیره «سیاست اخلاق» امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در نقش «خلیفه الله» یا «شهروند اخلاقی» حاصل توازن حقوق» برجسته می کند.

۵-۲. حکمرانی جهان گستر: مدیریت از بالا به پایین

در حال حاضر، دنیا صدها معاهده، نهاد و رژیم برای حکومت بر نواحی رفتار بین کشوری دارد، ولی چنین نهادهایی به قدرت خودکفا هستند. آن ها از سرمداری قدرت های بزرگ بهره می برند (نای، ۱۳۹۰: ۳۲۰). به عبارتی، تکلیف اخلاقی مفروض کشورهای ثروتمند و صنعتی برای افزایش سطح زندگی در کشورهای غیر صنعتی و فقیر در سراسر جهان، مبتنی بر رابطه ای علی است که فرض می شود میان سیاست ها و سطح بالای زندگی در کشورهای ثروتمند و سطح پایین زندگی در کشورهای فقیر

وجود دارد. اما چنین رابطه‌ی علی ساده‌ای، افسانه است (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۱۷۳) و با منطق رقابت قدرت و آنارشی نظم موجود در تضاد است.

درواقع، چشم‌انداز مبتنی بر سرمایه‌داری، به‌ویژه در رویه‌های فعلی آن، یک قانون امپریالیستی قرن بیست‌ویکم است که توسط قدرت‌های بزرگ به بقیه جهان ابلاغ می‌شود (Ugwu & Moko, 2017: 164). جرج بوش^۱، در سخنرانی ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن اشاره به ضرورت کمک‌های خارجی گفت: «ما یک ابتکار جدید به نام حساب چالش هزاره را راه‌اندازی کردیم که کمک‌ها را به کشورهای هدایت می‌کند که توانایی خود را در ایجاد نتایج از طریق حکومت عادلانه و مبارزه با فساد و دنبال کردن سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر بازار و همچنین سرمایه‌گذاری روی مردم خود نشان می‌دهند» (Bush, 2008). در راستای همین سیاست‌ها بود که بیش از ۷ تریلیون دلار برای جنگ‌های خاورمیانه هزینه شد (Trump, 2019)، اما خروجی این سیاست‌های به‌ظاهر انسان‌دوستانه، علاوه بر اینکه وضعیت حقوق بشر خاورمیانه را به مراتب بدتر از گذشته ساخت، هزاران کودک و انسان بی‌گناه را نیز کشته، اسیر و یا آواره کرد.

۵-۲-۱. چرخش از سیاست قدرت به سیاست اندیشه: دموکراسی پساحقیقت‌محور

از آنجاکه رویکرد نظری جهان‌وطنی از بسیاری از جهات شبیه یک نظریه در مورد عدالت است و می‌تواند پاسخی به مشکلات مختلف در عرصه بین‌المللی باشد (Fernandez, 2007: 23)، بنابراین، مؤلفه‌های جهان‌شمول، مثل ارزش و منزلت برابر، رضایت، تصمیم‌گیری جمعی در مورد مسائل عمومی از طریق رویه‌های رأی‌گیری، مشارکت فراگیر و ... باید به‌طور جهانی به اشتراک گذاشته شود (Levy & others, 2016). بر اساس این، آنچه سوژه می‌اندیشد، دارای اهمیت ویژه است و سوژه‌ها به اندازه کنش‌گران مهم هستند (نای، ۱۳۹۰: ۱۴۲). به همین دلیل، بخش اعظم منابع مالی

¹ George Walker Bush

حاکمیت جهان‌گستر در راستای تنظیم الویت‌ها و تغییر نظام ادراکی شهروندان با هدف ایجاد کانون جهانی تجانس بر محوریت «تابعیت پساحقیقتی»، سرمایه‌گذاری و هزینه‌فایده می‌شود.

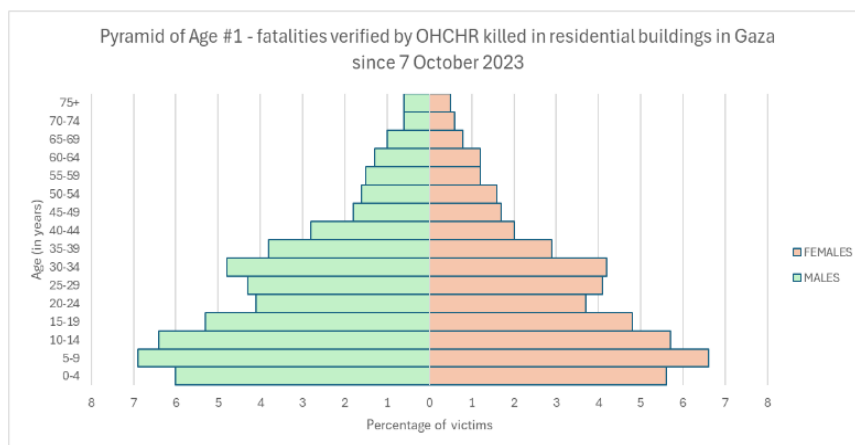
بنابراین، اگرچه اندیشه جهان‌وطنی به دنبال شکل جدیدی از حکمرانی جهانی با سازوکارهای نهادهای دموکراتیک فراملی است، اما ابعاد دموکراسی جهان‌وطنی، اغلب به دلیل غیر عملی بودن مورد انتقاد قرار می‌گیرد (Levy & others, 2016: 7). بر اساس این، واقعیت لایه‌های زیرین مشارکت سیاسی جهان‌گستر کنونی این است که مهار قدرت افکار عمومی جهانی از طریق رسانه‌های جهانی و شبکه‌های اینترنتی، مؤثرترین شکل گسترش مشارکت سیاسی در مقیاس جهانی است (کاستلز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۰). درواقع، چالش کلیدی، ایجاد مدلی از دیپلماسی عمومی است که بتواند در کشورهایی که دارای بیشترین اهمیت استراتژیک هستند، تأثیر بگذارد (Leonard & others, 2002: 96). به عبارتی، در عصر اطلاعات امروز کنترل اطلاعات جاری در شبکه‌ها یک منبع مهم قدرت برای رهبران است (نای، ۱۳۸۷: ۹۴)، تا جایی که حتی در دولت‌های بسیار دموکرات، تأثیرگذاری مردم بر تصمیمات سیاسی محدود است (چامسکی، ۱۳۹۷: ۸). بنابراین، تغذیه سیاست قدرت از آبشخور سیاست اندیشه و کنترل اطلاعات در شبکه‌ها، ضمن تضمین مدیریت بالا به پایین حکمرانان جهان‌گستر، به نتایج «تحدید آزادی اراده‌ها» در بستر «دموکراسی پساحقیقت‌محور»، منجر می‌شود.

۲-۲-۵. بازتولید آنارشی نظام بین‌الملل؛ مطالعه غزه به مثابه میدان تکوین بدیل عدالت‌محور

حقیقت این است که تئوری و الگوی عدالت، در دو قرنیه که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بر قاره‌ها، مناطق و کشورهای مختلف تسلط داشته‌اند، هیچ تعمیم پیدا نکرده است (مولانا، ۱۳۸۲: ۵۵). حامیان اصلی حقوق بشر، سالانه بخش قابل توجهی از بودجه کشورهای خود را صرف تحقیقات نظامی و تولید تسلیحات نظامی می‌کنند تا

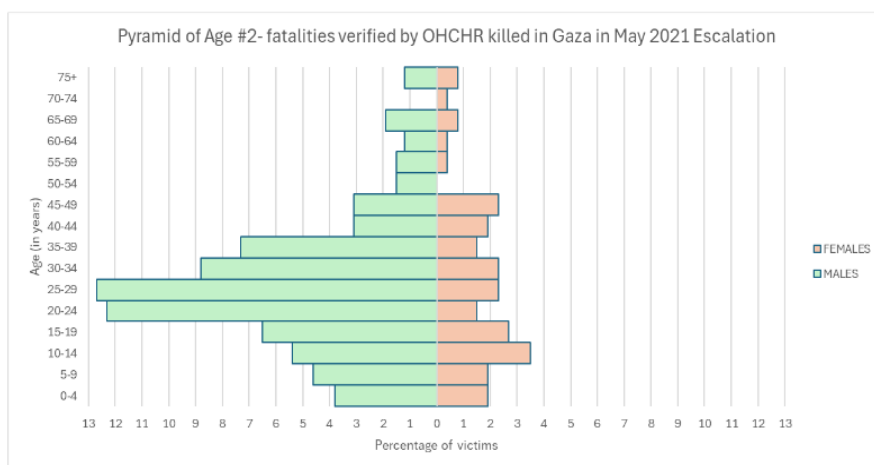
هر روز بخش‌هایی از محروم‌ترین مردم جهان را بمباران کنند (جرالد، ۱۳۹۲: ۵۱). درواقع، در چارچوب رئالیسم و نظم آنارشیک موجود، نظم جهانی در معادله حاصل «رقلبت قدرت» حل می‌شود، نه حاصل «توازن حقوق». بنابراین «برابری نسبت شهروندان و شهریان در مهندسی نظام»، از حالت تعادل خارج می‌شود. در نتیجه، «تناسب معکوس در نسبت توازن حقوق و آنارشی»، به سمت آنارشی افزایش می‌یابد و با ثبات وضعیت «تناسب مستقیم در نسبت خودیاری و نظم موجود»، مانع از جایگزینی «تناسب مستقیم در دگریاری و نظم مطلوب» می‌شود.

طبق گزارش دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، به دلیل استفاده ارتش اسرائیل از سلاح‌هایی با اثرات گسترده در مناطق پرجمعیت غزه، قربانیان اصلی حملات اسرائیل به ساختمان‌های مسکونی، به ترتیب کودکان ۵ تا ۹ ساله، ۱۰ تا ۱۴ ساله و ۰ تا ۴ ساله بوده‌اند (OHCHR, 2024: 5-8). شکل شماره (۲) هرم سنی قربانیان حملات اسرائیل را به غزه نشان می‌دهد.

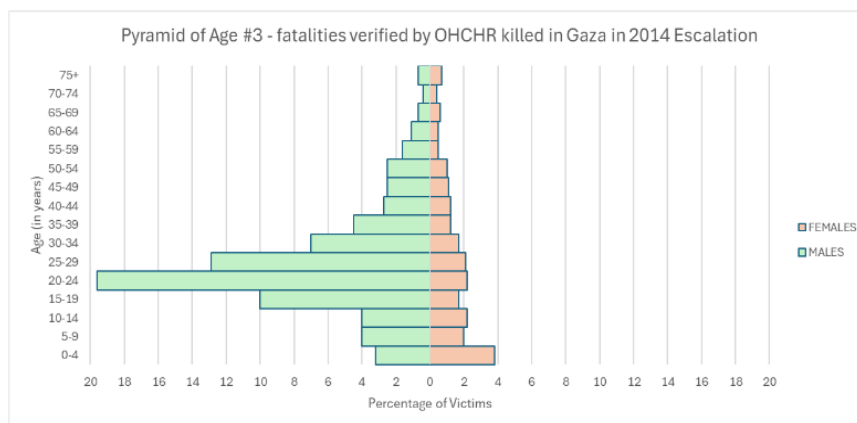


شکل ۲. هرم سنی قربانیان حملات اسرائیل به غزه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (OHCHR, 2024)

حملات اسرائیل به ساختمان‌های مسکونی در غزه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، در مقایسه با توزیع تلفات تأیید شده توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در تشدید خصومت‌های قبلی در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱ الگویی از حملات را نشان می‌دهد که تلفات را به‌طور مساوی در کل جمعیت ایجاد می‌کند (OHCHR, 2024: 9). مقایسه شکل شماره (۳) و شکل شماره (۴) الگوی یک‌نواخت حملات اسرائیل را در کشتار غیرنظامیان نشان می‌دهد.



شکل ۳. هرم سنی قربانیان حملات اسرائیل به غزه در سال ۲۰۲۱ (OHCHR, 2024)

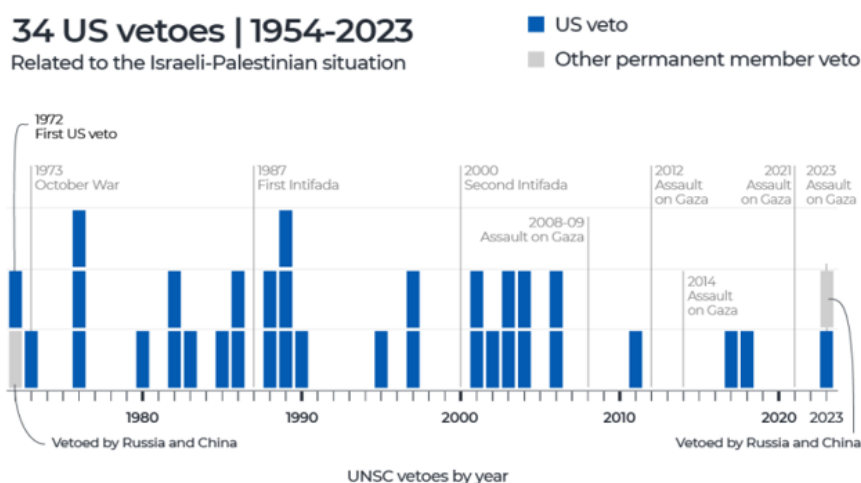


شکل ۴. هرم سنی قربانیان حملات اسرائیل به غزه در سال ۲۰۱۴ (OHCHR, 2024)

درواقع، آنچه به اسرائیل فرصت جولان در میدان نسل‌کشی می‌دهد، وتوهای ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد است. از سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۲۳ در مجموع ۳۶ پیش‌نویس قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مربوط به اسرائیل و فلسطین توسط یکی از پنج عضو دائم وتو شده است. از این تعداد، ۳۴ مورد توسط ایالات متحده و دو مورد توسط روسیه و چین وتو شده است (Asra & Hussein, 2023: 1). از زمان آغاز تهاجم اسرائیل به غزه در اکتبر ۲۰۲۳ تا ژوئن ۲۰۲۵ نیز قطع‌نامه‌های آتش‌بس غزه در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پنجمین بار توسط ایالات متحده آمریکا به منظور حمایت از اسرائیل وتو شده است. تام فلچر^۱، رئیس امدادرسانی سازمان ملل، گفت: «جهان روز به روز صحنه‌های هولناکی از تیراندازی، زخمی شدن یا کشته شدن فلسطینی‌ها در غزه را تماشا می‌کند، درحالی‌که آن‌ها صرفاً سعی در غذا خوردن دارند» (Roth, 2025: 1). نمای جدید نسل‌کشی اسرائیل، کشتار آوارگانی است که در صف توزیع غذا ایستاده‌اند. شدت نقض حقوق بشر توسط

¹ Tom Fletcher

اسرائیل، اگرچه سکوت مجامع بین‌المللی را شکسته، اما چتر حمایتی و توهای ایالات متحده آمریکا، قدرت اجرایی این مجامع را در دفاع از حقوق بشر، فلج کرده است. شکل شماره (۵) تاریخچه و توهای آمریکا در حمایت از اسرائیل را نشان می‌دهد.



شکل ۵. تاریخچه و توهای آمریکا در حمایت از اسرائیل (Aljazeera, 2023)

درحالی‌که شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند به دولت‌ها اجازه دهد امنیت جمعی را اجرا کنند، به‌ندرت این کار را انجام داده است (Nye, 2025: 1). در این وضعیت، غزه نماد «بی‌پناهی اخلاقی» بشر معاصر در برابر منطق قدرت است. در مقابل، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بدیلی هستی‌شناسانه و اخلاقی برای این نظم ارائه می‌دهد. در حکمرانی علوی، عدالت نه ابزار حفظ قدرت بلکه غایت سیاست و به مثابه «اصل مشروعیت، توازن حقوق و منافع عام بشریت» است. این نگاه با تأکید بر «عدالت جهانی و بین‌المللی» به نتایج «جامعه جهانی متکثر و همبسته» یا «امت واحده» ختم می‌شود که در آن، عدالت نسبت به هر انسان مظلوم، یک تعهد جهانی است.

۵-۳. حکمرانی عدالت‌گستر جهانی: مدیریت از پایین به بالا

بسیاری از سوءبرداشته‌ها از مفهوم جهان‌وطنی، به ابهام در مورد ایجاد یک روش مشترک برای انسجام فرامرزی برمی‌گردد (Ribeiro, 2005: 19). امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به فرمان‌دار مصر می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میلنه‌ترین، در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد... ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آن‌ها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۵). از گستردگی دامنه شمول و تمرکز مؤلفه‌های «توازن حقوق»، «عدالت‌گستری» و «تکریم بشریت» بر ساختار اجتماعی جامعه جهانی، کد استقرایی «تابعیت عقیدتی شهروندان» استخراج می‌شود که به معنای کسب تابعیت «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» از طریق «اعتقاد» به «وحدت کثرت‌پذیر عدالت اجتماعی» است. نظریه «تابعیت عقیدتی شهروندان» با نفی نظام آپارتاید، بنای مهم‌ترین اصل تجانس جهانی شهروندان را از پایین به بالا مدیریت می‌کند.

به عبارتی، کدهای استقرایی استخراج شده از فرمایشات امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نشان می‌دهد که «کانون تجانس جهانی عقیده‌محور» نه محصول سلطه یا ایدئولوژی واحد، بلکه نتیجه پیوند سه بعد «توحید در توازن حقوق»، «عدل در عدالت‌گستری» و «اخلاق در تکریم بشریت» است. هر جامعه، فرهنگ و تمدن، در مدار «کانون تجانس جهانی عقیده‌محور» بخشی از کل منسجم «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» یا «امت واحده» می‌شود. «توازن حقوق»، «عدالت‌گستری» و «تکریم بشریت» در این جامعه، بنیان نظم جهانی است نه نتیجه آن. «تکثر» در نسبت با «عدالت»، ارزش‌زا و سازنده است. «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» یا «امت واحده»، بدیل نهادی آنارشی بین‌الملل است و «عدالت‌گستری»، معیار جهانی مشروعیت است.

بنابراین، «سازمان ملل» و «شورای امنیت» را به سختی می‌توان یک الگوی دموکراسی نامید. وقتی که یک عده دولت‌های انگشت‌شمار در آن حق «وتو» دارند، سازمان‌های جهانی و دادگاه‌های بین‌المللی جایی که قدرتمندان نه از قانون اطاعت می‌کنند و نه به حقوق دیگران احترام می‌گذارند، به دشواری می‌تواند مروج عدالت باشد (مولانا، ۱۳۸۲: ۵۶). روند پی‌ریزی زیرساخت‌های عدالت اجتماعی در سطح جهان‌گستر از پایین به بالا عملیاتی خواهد شد و بسته به خواست و اراده عموم شهروندان جهانی است.

۵-۳-۱. تحدید سیاست قدرت در چارچوب سیاست اخلاق: دموکراسی عقیده‌محور

عدالت اجتماعی در اسلام فوق‌العاده مقدس و حقوق افراد فقط در این دایره قبلل درک است (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۰۵). امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در بخشی از فرمان حکومتی به مالک اشتر می‌فرماید: «آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت‌ها را پیروی کن، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهی شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهی گردید... مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۵). مؤلفه «شهروند اخلاقی» حاصل توازن حقوق یا «خلیفه‌الله» علاوه بر اینکه الگوی مدیریت حکمرانی را از پایین به بالا ترسیم می‌کند، با برجسته‌سازی کد استقرایی «تحدید سیاست قدرت در چارچوب سیاست اخلاق» به نتایج «دموکراسی عقیده‌محور» در «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» نیز منتهی می‌شود.

الگوی حکمرانی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، تصویری بسیار زیبا و کامل از مفهوم دموکراسی نه‌تنها برای مسلمانان بلکه برای همه مردم جهان ترسیم کرده است (Afroogh, 2019: 6). ایشان می‌فرمایند: «اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران

حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، خلافت را رها می‌کردم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳: ۳۱). در الگوی مدیریتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) «انتخاب شهریان توسط شهروندان» پیش‌نیاز «حاکمیت شهریان بر شهروندان» است. از این مؤلفه، کد استقرایی «آزادی اراده شهروندان» مستخرج می‌شود تا جایی که مردم در انتخاب شهریان، نقش اول و اساسی را ایفا می‌کنند.

اما آنچه در حق «آزادی اراده شهروندان»، اخلال ایجاد می‌کند، کنترل و هدایت افکار عمومی در مسیر پساحقیقت است. درنهایت، آنچه از دموکراسی و آزادی بر جا می‌ماند همانا حق انتخاب نوع کالای ارائه شده است (چامسکی، ۱۳۸۷: ۲۴۵-۲۴۶). این‌گونه می‌شود که امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «من برای واداشتن شما به راه‌های حق، که در میان جاده‌های گمراه‌کننده بود، به پا خاستم در حالی که سرگردان بودید و راهنمایی نداشتید... امروز ما و شما بر سر دوراهی حق و باطل قرار داریم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴: ۳۳). حاکمیت در اسلام، تعهد و تکلیف بالقوه رهبران است و تنها با خواست و تأیید عموم مردم از حلت قوه به فعل درمی‌آید و این یعنی بر مبنای اصل «تحدید سیاست قدرت در چارچوب سیاست اخلاق» که با مهیا کردن بستر «آزادی اراده شهروندان» به نتایج «دموکراسی عقیده‌محور» در «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» منجر می‌شود، هیچ رهبری و یا حتی امام معصوم هم حق ندارد که حاکمیت خود را بر مردم تحمیل کند؛ چراکه مردم در انتخاب راه حق و باطل آزاد هستند.

به دیگر سخن، در الگوی مدیریتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) حد فاصل «تحدید سیاست قدرت در چارچوب سیاست اخلاق» و «دموکراسی عقیده‌محور»، مؤلفه «آزادی اراده‌ها» قرار می‌گیرد. آزادی در مفهوم موسع همانا قدرت بر اندیشیدن و یا انجام عمل توسط فرد بر اساس اراده و خواست خود است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۷). اصولاً اصل «آزادی اراده‌ها» به‌عنوان مهم‌ترین ثمره «تحدید سیاست قدرت در چارچوب

سیاست اخلاق» و در نتیجه مهم‌ترین پیش‌نیاز «دموکراسی عقیده‌محور»، به نتایج «تجانس عقیدتی شهروندان جهان‌گستر» در «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» منتهی می‌شود.

۵-۳-۲. مدیریت بحران آنارشی نظام بین‌الملل

سیستم مدیریتی در اسلام، یک سیستم عقیده‌محور است که فرای مرزهای زمانی و مکانی، بر بنای عقاید و باورها پی‌ریزی شده و با تمرکز بر اصل «آزادی اراده‌ها» شبکه‌ای منسجم از شهروندان جهانی را حول محوریت جبهه حق پیوند می‌دهد. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) پس از پیروزی در جنگ بصره در سال ۳۶ هجری، در پاسخ به یکی از یارانشان که گفت: «دوست داشتم که برادرم با ما بود و می‌دید که چگونه خدا تو را بر دشمنانت پیروز کرد»، فرمودند: «آیا فکر و دل برادرت با ما بود؟» گفت: آری. امام فرمودند: «پس او هم در این جنگ با ما شریک بود، بلکه با ما در این نبرد شریکند آن‌هایی که حضور ندارند، در صلب پدران و رحم مادران می‌باشند، ولی با ما هم‌عقیده‌اند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲: ۳۷). بر اساس این، پذیرش تابعیت «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی، بر مبنای اعتقاد شهروندان جهانی به هسته بالفعل «وحدت کثرت‌پذیر عدالت» در راستای «تناسب مستقیم در نسبت دگرگاری و نظم مطلوب» شکل می‌گیرد. در این چارچوب، ریشه بحران آنارشی نه در فقدان قدرت، بلکه در فقدان اخلاق و عدالت می‌باشد؛ بنابراین، راه مدیریت آن نیز بازگشت به عدالت و کرامت انسانی است.

بنابراین، «تابعیت عقیدتی» و «تجانس فرازمانی و فرامکانی» شهروندان جهانی، به معنای حذف دولت‌ها از دستور کار حکمرانی عدالت‌گستر نیست، بلکه به معنای چرخش از «تکثرگرایی قدرت» به «تمرکزگرایی عدالت» است. بنابراین، هیچ کشوری نمی‌تواند زیست‌جزیره‌ای داشته باشد و به دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

غیره از امور و نگرانی‌های جهانی منزوی شود (Waldt, 2024: 3). به عبارتی، «تابعیت عقیدتی» در «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» به معنای انسجام شهروندان حول شاخص «عدالت به مثابه توازن حقوق» است.

الگوی مدیریت بحران امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، آنارشی نظام بین‌الملل را از پایین به بالا مهندسی می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «مهدی موعود (عج) خواهد آمد و بحران‌های لاینحل فتنه‌ها و آشوب‌های عظیم را مدیریت خواهد کرد؛ او با نور شفافیت و روشنگری در آن آشوب‌ها گام می‌نهد و بر همان سیره و روش عادلانه صالحان حکمرانی می‌کند تا بحران‌های لاینحل را حل کند؛ بردگان و ملت‌های اسیر را در اقصی نقاط جهان آزاد می‌سازد؛ قطب باطل و اقمارش را پراکنده و جویندگان حق را متحد می‌کند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰: ۱۹۵). طبق فرمایش امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) آزادی «ملت‌های اسیر» یا آزادی «اراده‌های اسیر» که به «آزادی اراده شهروندان جهانی» حول «وحدت کثرت‌پذیر عدالت» منتهی می‌شود، پیش‌نیاز مدیریت بحران آنارشی نظام بین‌الملل است.

به عبارتی، از مؤلفه «جویندگان حق» در فرمایشات امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) «تابعیت عقیدتی» شهروندان جهان‌گستر، قابل استخراج است که اقتضای این تابعیت، «مسئولیت‌پذیری شهروند جهانی» در راستای «تناسب مستقیم در دگرپاری و نظم مطلوب» است. سکوت و بی‌تفاوتی شهروندان در برابر بی‌عدالتی‌های سیستماتیک، نه تنها موجبات سلب «تابعیت عقیدتی» شهروندان جهان‌گستر را فراهم می‌کند و مانع از استقرار نظام حکمرانی عدالت‌گستر می‌شود، بلکه با اعطای «تابعیت پساحقیقی» به شهروندان جهان‌گستر، بستر بازتولید آنارشی نظام بین‌الملل را نیز فراهم می‌کند.

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «هرکس جهاد را در راه خدا ترک کند... به سبب ضایع کردن جهاد حق او گرفته می‌شود و محکوم به خواری و محروم از عدالت می‌گردد» (ثقفی، ۱۴۰۱: ۲۲۸-۲۲۷). کسانی که هویت شهروند جهانی را با خود حمل

می‌کنند، نه تنها نسبت به تضمین آزادی تک‌تک همشهری‌های خود در سطح جهانی از حساسیت‌پذیری بالایی برخوردارند، بلکه مسؤول حفاظت از عدالت و امنیت آنان نیز هستند؛ چراکه اختلال در سطح عدالت و امنیت هریک از شهروندان جهانی، به صورت اپیدمی به سایر نقاط جامعه جهانی نیز سرایت خواهد کرد. به عبارتی، بی تفاوتی شهروندان جهانی به اصل «تناسب مستقیم در نسبت دگریاری و نظم مطلوب»، معادله اصل «تناسب معکوس در نسبت توازن حقوق و آنارشی» را به نفع آنارشی حل خواهد کرد.

از منظر تحلیلی، به عنوان مثال، می‌توان رفتار بازیگران جهانی در بحران غزه را در سه سطح بررسی کرد. نخست، سطح ساختاری که در آن آنارشی نظام بین‌الملل، «منطق خودیاری در نظم موجود» را بازتولید می‌کند نه «منطق دگریاری در نظم مطلوب». دوم، سطح کارگزاران که در آن دولت‌ها براساس «منافع ملی» عمل می‌کنند، نه براساس «منافع عام بشریت» و سوم، سطح هنجاری که در آن نیروهای مقاومت غزه تجلی نوعی «بازیگر اخلاقی حاصل توازن حقوق» در برابر «بازیگر سلطه‌گر حاصل آنارشی» است. این سطح سوم، همان نقطه ورود اندیشه علوی به نظریه روابط بین‌الملل است، به معنای بازتعریف مشروعیت قدرت بر پایه عدالت‌گستری نه بر پایه سلطه‌گری.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازاندیشی در مبانی هنجاری نظم جهانی و ارائه بدیلی اخلاقی برای ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، تلاش کرد تا بر مبنای الگوی عدالت علوی، الگویی نظری برای نظم جهانی عادلانه استخراج کند. طبق یافته‌های تحلیلی پژوهش، اندیشه سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، در برابر «آنارشی قدرت‌محور» نظام بین‌الملل که در آن دولت‌ها کنشگرانی خودبنیاد و بی‌اعتماد هستند، الگویی از نظم جهانی را پیشنهاد می‌کند که بر «عدالت به مثابه توازن حقوق» استوار است. در این نظم،

کثرت فرهنگی، دینی و تمدنی حول «کانون تجانس جهانی عقیده‌محور» منشعب از وحدت «توحید در توازن حقوق»، «عدل در عدالت‌گستری»، و «اخلاق در مردم‌محوری»، پذیرفته می‌شود و معنا می‌یابد.

بنابراین، می‌توان بحران غزه را «نقطه تنش میان دو نظم جهانی» دانست؛ منطق آنارشی قدرت‌محور که عدالت را از دل سلطه می‌جوید و منطق عدالت‌علوی، که عدالت را نتیجه توازن حقوق می‌داند. در نتیجه، مدیریت بحران غزه در پرتو حکمرانی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نه تنها بازخوانی اخلاقی از یک فاجعه انسانی است، بلکه تلاشی نظری برای ارائه بدیلی از نظم بین‌المللی معاصر است. نظمی که به جای آنارشی، بر مبنای «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» یا «امت واحده» شکل می‌گیرد. عدالت اجتماعی در این نظم، نه یک ارزش معنایی، بلکه بنیان سیاست جهانی است.

در چارچوب این نظریه، بحران غزه، مصداقی از شکست نظم آنارشیک در حفظ کرامت انسان است. در مقابل، واکنش اخلاقی امت‌ها و ملت‌ها به مظلومیت مردم غزه، تجلی ظهور یک «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» یا «امت واحده» به معنای اعتقاد به هسته بالفعل «وحدت کثرت‌پذیر عدالت» است. در این جامعه همه ادیان و مذاهب و اقلیت‌ها و گرایش‌ها حول «کانون تجانس جهانی عقیده‌محور» گرد می‌آیند و بدون انکار هویت‌های متکثر، حامل «تابعیت عقیدتی» می‌شوند. عامل وحدت «جامعه جهانی متکثر همبسته و اخلاقی» یا «امت واحده» در حقیقت «عدالت به مثابه منافع عام بشریت» است نه در یک‌نواختی فرهنگی و مذهبی که همین اصل، تجلی «عدالت به مثابه اصل مشروعیت» است که موجبات افزایش مشروعیت نهادی و اعتماد بین‌المللی را فراهم می‌کند. بر این مبنای نکات ذیل را به‌عنوان راهکار می‌توان مد نظر قرار داد:

۱. ارائه زمینه مطالعاتی و پژوهشی در ارتباط با اصلاح گفتمان عدالت جهانی در نهادهای بین‌المللی و تقویت گفت‌وگوی میان‌تمدنی اسلام و فلسفه سیاسی

معاصر بر مبنای الگوی عدالت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می تواند در دستور کار جامعه علمی و دانشگاهی جهان قرار گیرد.

۲. الگوی عدالت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به عنوان منظومه ای از ارزش ها و قواعد اخلاقی می تواند الهام بخش نظریه ای بومی از روابط بین الملل باشد که در عین وفاداری به مبانی اخلاقی، از ظرفیت جهانی شدن نیز بهره مند است.

۳. مطالعات تطبیقی در راستای مقایسه عدالت علوی با نظریات عدالت سایر اندیشمندان و کاربرست سیاسی در راستای بررسی امکان طراحی سیاست خارجی مبتنی بر عدالت علوی و اخلاق جهانی، برای گسترش پژوهش های آینده پیشنهاد می شود.

در خاتمه، ذکر این مهم ضروری به نظر می رسد که قداست مفهوم حکمرانی عدالت گستر جهانی، به آشکار کردن و فعلیت رساندن پتانسیل آزادی اراده شهروندان جهانی وابسته است. امروز، جامعه جهانی بیش از هر چیز دیگر نیازمند دانشمندان و دانشجویان آزاداندیشی است که می توانند با درک ابعاد عینی و انتزاعی حکمرانی عدالت گستر، علاوه بر ارتقاء سطح مطالبات شهروندان جهانی، هدایت هوشمندانه این مطالبات در سطح کلان را نیز مورد توجه قرار دهند.

فهرست منابع

- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
- امام زاده‌ئی، محمدرضا؛ شاهی، محمدشریف؛ مقامی، امیر؛ و احمدی، سیدمحمدصادق (۱۴۰۲). «چالش‌های اساسی حکمرانی جهانی در نبود دولت جهانی حق‌بنیاد»، *مطالعات بین‌المللی*. ۲۰ (۱)، ۲۵۶-۲۳۷.
- doi: 10.22034/isj.2023.375116.1938.
- ایزانلو، محمدامین؛ نسیمی، سیدعقیل؛ و کرامتی، معصومه (۱۴۰۳). «دلالت‌های اجتماعی توحید در اندیشه و سیره حکمرانی امام علی (ع)»، *پژوهش‌نامه نهج البلاغه*. ۱۲ (۴۶)، ۸۷-۱۰۶. (doi: 10.22084/nahj.2025.30630.3165).
- ثقفی، ابراهیم‌بن محمد (۱۴۰۱). *ترجمه الغارات: سال‌های روایت نشده از حکومت امیرالمؤمنین (ع)* (سید محمود زارعی، مترجم). تهران: بیان معنوی.
- جرالده، جی. بی (۱۳۹۲). «حمایت سیا و پنتاگون از دیکتاتوری نظامی در گواتمالا» (مرضیه خادمی، مترجم)، *ماهنامه سیاحت غرب*. ۱۰ (۱۱۷): ۵۷-۵۱.
- جعفری، علی اکبر و ذوالفقاری، ذوالفقاری (۱۴۰۱). *تحول پارادایمیک در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- چامسکی، نوآم (۱۳۸۷). *تلاش آمریکا برای حاکمیت جهانی (استیلا یا بقا)* (سیدضیاءالدین خسروشاهی، مترجم). تهران: درسا.
- چامسکی، نوآم (۱۳۹۷). *چه کسی بر جهان حکومت می‌کند* (حسین جعفری موحد، مترجم). قم: معارف.
- ریچاردسون، سارا (۱۳۹۸). *یادگیری جهان‌وطنی برای عصر جهانی شدن: آموزش عالی در جهانی درهم تنیده* (سیده مریم حسینی لرگانی و زهرا رشیدی، مترجمان). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع (ج ۱). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های حکمرانی عادلانه در چارچوب نظریه زیست جهان»، سیاست متعالیه. ۶ (۲۲)، ۱۳۰-۱۱۳.
- doi: [10.22034/sm.2018.33555](https://doi.org/10.22034/sm.2018.33555).
- کاستلر، مانوئل (۱۳۹۷). تئوری شبکه‌ای قدرت: گفتارهایی در باب سیاست جامعه اطلاعاتی (مجتبی قلی‌پور، مترجم). تهران: آذرخش.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۸۹). سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح (حمیرا مشیرزاده، مترجم). تهران: وزارت امور خارجه.
- مولانا، سید حمید (۱۳۸۰). «امام علی (ع) و ابعاد عدالت اجتماعی»، فلسفه و کلام: کتاب نقد. (۱۸)، ۲۲۵-۱۹۶.
- مولانا، سیدحمید (۱۳۸۲). آمریکا و فاجعه جهانی. تهران: فرهنگ اسلامی.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند (محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، مترجمان). تهران: ابرار معاصر.
- نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل (سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، مترجمان). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۹۰). آینده قدرت (رضا مرادصحرائی، سیدطاهر شریعت‌پناهی و سیدحسین ارجانی، مترجمان). تهران: حروفیه.

- Afroogh, Mohammad Reza (2019). "Philosophy of Democracy from the Point of View of Imam Ali (P.B.U.H)", *Philosophy International*. 2 (3), 1-8. (doi: 10.23880/phij-16000125).
- Aljazeera (2023). "How the US has used its veto power at the UN in support of Israel", 26 Oct 2023. Available at:

<https://www.aljazeera.com/news/2023/10/26/how-the-us-has-used-its-veto-power-at-the-un-in-support-of-israel>,

(Accessed on: 1/6/2025).

- Asra, Shakeeb & Mohammad Hussein (2023). "A history of US vetoes protecting Israel". 26 Oct 2023. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2023/10/26/how-the-us-has-used-its-veto-power-at-the-un-in-support-of-israel>, (Accessed on: 21/6/2025).
- Baylis, John; Owens, Patricia; & Smith, Steve (2020). *The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Bombongan, Dominador (2008). "Cosmopolitanism, global ethic, and inter-religious dialogue". *Journal of Dharma*. 3 (33), 241-258.
- Bush, George (2008). "President Bush Addresses United Nations General Assembly", United Nations Headquarters, New York, September 23, 2008. Available at: <https://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2008/09/20080923-5.html>, (Accessed on: 7/5/2025).
- Cho Fon, Bruno (2012). *Global Governance and the Role of Non State Actors: An Examination of Contemporary Challenges to International Relations Theory*. Saarbrücken, Germany: LAP LAMBERT Academic Publishing.
- Driezen, Ariadne; Verschraegen, Gert; & Clycq, Noel (2020). "Religion and everyday cosmopolitanism among religious and non-religious urban youth", *Current sociology*. 6 (69), 1- 21. (doi: 10.1177/0011392120932942).
- Etinson, Adam (2017). "Cosmopolitanism: Cultural, Moral, and Political", *De Gruyter*. 25-46. (doi: 10.1515/9783110245745.1.25).
- Fernandez, Christian (2007). "What Cosmopolitanism? Exploring Cosmopolitanism in Political Philosophy", *Lund university*. Department of Political Science, STV004, Available at: <https://lup.lub.lu.se/luur/download?func=downloadFile&recordId=1323170&fileId=1323171>, (Accessed on: 3/7/2025).

- Leonard, Mark; Stead, Catherine; & Smewing, Conrad (2002). *Public Diplomacy*. Landan: The Foreign Policy Centre.
- Levy, Orly; Peiperl, Maury; & Jonsen, Karsten (2016). "Cosmopolitanism in globalized world: An interdisciplinary perspective", *Advances in Global Leadership*. 9, 281-323. (doi.org/10.1108/S1535-1203201600000090009).
- Nye, Joseph (2025). "How world order changes". *Australian Strategic Policy Institute*. Available at: <https://www.aspistrategist.org.au/how-world-order-changes/>, (Accessed on: 21/7/2025).
- OHCHR (Office of the High Commissioner for Human Rights) (2024). "six-month update report on the human rights situation in Gaza:1 November 2023 to 30 April 2024", 8 November 2024. Available at: <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/countries/opt/20241106-Gaza-Update-Report-OPT.pdf>, (Accessed on: 20/6/2025).
- Ribeiro, Gustavo Lins (2005). What is Cosmopolitanism?. *Vibrant Virtual Brazilian Anthropology*. 2 (1-2), 19-26. Available at: https://www.vibrant.org.br/downloads/v2n1_wc.pdf, (Accessed on: 30/10/2025).
- Rittberger, Volker (2001). *Global governance and the United Nations system*. North America, New York: United Nations University Press.
- Roth, Andrew (2025). "US vetoes resolution for unconditional Gaza ceasefire at UN security council", *The Guardian*, 4 Jun 2025. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2025/jun/04/us-vetoes-gaza-ceasefire-un-security-council>, (Accessed on: 22/6/2025).
- Salazar, Noel B. (2021). "Post-national belongings, cosmopolitan becomings and mediating mobilities", *Journal of Sociology*. 57 (1), 1-12. (doi.org/10.1177/1440783320987639).
- Sanahuja, Lorena Cebolla; & Ghia, Francesco (2015). *Cosmopolitanism: Between Ideals and Reality*. Newcastle upon Tyne, UK: Cambridge Scholars Publishing.
- Trump, Donald (2019). "Full text of Trump's State of the Union address", Capitol in Washington, DC, on Feb. 5, 2019. Available at: <https://www.nbcnews.com/politics/donald-trump/full-text-trump-s-state-union-address-n968231>, (Accessed on: 12/7/2025).

- Ugwu, Ude; & Moko, Finian (2017). "Capitalism and the New World Order of the 21st Century Age", *Journal of Contemporary Research*. 2 (14), 164-177.
- Waldt, Gerrit Vander (2024). "Global and transnational governance: Implications for public administration teaching". *Teaching Public Administration*. 1-22. (doi: 10.1177/01447394241229173).
- Weiss, Thomas G (2013). *Global Governance: Why What Whither*. Cambridge, UK, Malden, MA : Polity Press.
- Wilfred, Felix (2017). "Christianity and Religious Cosmopolitanism", *Oxford Academic*. 216-232.
(doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198792345.003.0014).
- Wong, Daniel (2013). "Religion and the New Cosmopolitanism in a Post-secular Age", Seventh Annual Telos Conference, held on February 15–17, 2013, New York City. Available at:
<https://www.telospress.com/religion-and-the-new-cosmopolitanism-in-a-postsecular-age/?srsltid=AfmBOoqXm0jZ-oz6Lsuy-vSvMhoU4UnMK7AOiF4-3hhiXgbu0mlodz3D>,
(Accessed on: 11/6/2025).

